یادداشت روز

سپاه را نمی‌توان خرید

حمله به یک مقر مرتبط با سپاه پاسداران در سوریه و چند روز پس از آن، حمله به هویت سپاه در یک تریبون نظامی از سوی یک مقام مسئول را البته می‌توان بدون ارتباط و تصادفی تلقی کرد حتی اگر این همزمانی چند بار دیگر هم تکرار شـــده باشد، باز هم می‌توان تصادفی بودن آن را قبول کرد اما زمانی که نشـــانی‌های مشترک دیگری برای حوادثی که به خودی خود می‌توانند تصادفی تلقی شوند، پیدا می‌شوند، آنوقت پذیرش تصادف دو واقعه در برون و درون مرز به غایت دشوار می‌شود. یک جریان شناخته شده به پایگاه هوایی «تی فور» سوریه حمله می‌کند و هفت نفر از پاســـداران را به شهادت می‌رساند و اعلام می‌کند که سپاه باید سوریه را ترک کند وگرنه بار دیگر مورد حمله قرار می‌گیرد. درســـت همزمان با تلاش رژیم متجاوز صهیونیستی به این پایگاه عده‌ای در داخل نیز مطرح می‌نمایند که چرا باید نیروهای ســـپاه در سوریه بمانند و حال آنکه خطر سیطره تکفیری‌ها و یا صهیونیست‌ها و سعودی‌ها برای سوریه و در نتیجه برای امنیت ملی ایران، چیزی نیست که فهم آن دشوار باشد. با این وصف در شـــرایطی که از یک ســـو هنوز تروریزم تکفیری در سوریه ریشه‌کن نشده است و از سوی دیگر جریانی شرورتر از داعش یعنی مثلث آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولت سعودی درصدد جایگزین شدن با داعش است، نمی‌توان سوریه را در میانه راه رها کرد و در واقع همه زحمات رزمندگان اسلام که در طی این ۷ سال با شگفتی و ناباوری، بزرگترین توطئه ۱۰۰ سال اخیر این منطقه را در هم شکسته‌اند، بر باد داد. کاملاً واضح است که اصرار اسرائیل، آمریکا، سعودی و ترکیه به بازگشت سپاه از سوریه در میانه راه با اصرار بعضی جریانات داخلی که از اول هم توصیه‌شان این بود که مقاومت در برابر این موج تکفیری ممکن نیست و نمی‌توان بر اراده آمریکا و سعودی و اسرائیل در تغییر نقشه منطقه غلبه کرد، معنا و مفهوم دارد. وقتی یک مسئول دولتی با استفاده از یک «تریبون نظامی» همان سپاه که نمی‌تواند به کشور و امت خیانت کند و باید محکم بایستد، پس از توصیه به بازگشت از ســـوریه و رها کردن کارزار را به عناوین نادرستی متهم می‌کند، معلوم می‌شـــود که مسئله فقط بازگشت از سوریه نیست، مسئله کنار گذاشتن «هویت مقاومت» است منتهی وقتی در روال اداری امکان جداسازی سپاه از این هویت نیست، باید به شخصیت و هویت افتخارآمیز سپاه حمله شود.

هویتی به نام «سپاه پاســـداران انقلاب اسلامی» چه در دوره نورانی حضرت امام خمینی -قدس سره الشریف- و چه در دوره پرفیض حضرت امام خامنه‌ای- مدظله‌العالی- در حوزه‌های سیاسی و مالی آلودگی پیدا نکرده اســـت. هر چند در طول این چهار دهـــه، جریانات مختلف تلاش کرده‌اند که از موقعیت و امکانات سپاه برای مقاصد خویش بهره ببرند که ناکام مانده‌اند. ســـپاه همواره در مسیر امام حرکت کرده است و آن راحل عظیم‌الشأن با صراحت فرموده‌اند «من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم برنمی‌گردد». عجیب این است که بعضی از افرادی که هیچ نشانی از آن امام بزرگوار نداشته و در نقطه مقابل ایشان هم قرار دارند، به سپاه حمله می‌کنند که چرا به وصیت امام در مورد عدم مداخله در امور سیاسی عمل نمی‌کند! و این را نه در یک چارچوب مسئولانه و مثلاً طرح در جلسه شورای عالی امنیت ملی، بلکه در تریبون مطرح می‌نمایند و این معنایی جز مقابله با یک نهاد مسئول که سخت‌ترین مأموریت امنیتی کشور را برعهده دارد و آماج حملات جبهه مشترک استکبار است، ندارد. در واقع متهم کردن سپاه به دخالت در محدوده ممنوع سیاسی معنایی جز این ندارد که چرا تابع دستوری نمی‌شود که از اساس با امنیت ملی ایران و عزت منطقه‌ای آن مغایرت دارد. در واقع این‌ها نه اینکه سپاه را از ورود به حدود ممنوع سیاسی منع نمی‌کنند بلکه امر می‌کنند به بدترین شکل و با زیرپا گذاشتن هویت و سرگذشت افتخارآفرین ۴۰ ساله خود وارد اقدام ممنوع سیاسی شده و بنیان امنیت و هویت و استقلال کشور را ویران نماید.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نمی‌توان به فساد اقتصادی متهم کرد، سپاه بابت اقدامات عمرانی خود که به درخواست مکرر دولت صورت گرفته است، هزاران میلیارد تومان از دولت طلبکار است. سپاه، امروز با انبوهی از مقاطعه‌کاران و کارگرانی مواجه است که با وعده دولت به آنان بدهکار شـــده و به دلیل خلف وعده دولت، قادر به تسویه حساب با آنان نیست. هیچ فرمانده سپاهی هم از صدها فرماندهی که در جهت کاستن از بار دولت به میدان عمران کشـــور گام نهاده، آلوده به فساد نشده است. اما چرا در یک تریبون رسمی نظامی به طور ضمنی به فساد اقتصادی متهم می‌شود؟ اگر این واقعیت داشت جریانات آلوده که در کمین سپاه و فرماندهان آن نشسته‌اند از این داستان‌ها می‌ساختند. اما چرا مطرح می‌شود؟ واقعیت این اســـت که سپاه برای «خط آمریکا» و فعالان خارجی و داخلی آن یک «مانع بزرگ» به حساب می‌آید. این مانع بزرگ در اختیار هیچ دولت و یا در اختیار هیچ جریان سیاسی نیست که بتوان آن را از میان برداشت. سپاه در اختیار رهبری است و استحکام مواضع آن با استحکام مواضع رهبر انقلاب گره خورده اســـت و از سوی دیگر، سپاه در سطح ملی دارای نفوذ بسیار گسترده‌ای است و یک حزب و رقیب سیاسی نیست که بتوان با بکار بردن یک یا چند عبارت انتخاباتی و یا یک یا چند سخنرانی تهییج‌آمیز، آن را از میدان به‌در کرد. سپاه را نمی‌توان خرید، نمی‌توان فروخت، نمی‌توان تابع خود کرد نمی‌توان آن را خرج انتخابات کرد. در ضمن چون یک شاخص مهم در سنجش اصالت و جریانات سیاسی است، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. سپاه را باید به چیزهایی متهم کرد که بشدت نسبت به آن حساسیت دارد و برای آلوده نشدن به آن، موقعیت‌های نظارتی سخت‌گیرانه‌ای در درون خود تعبیه کرده است. جریانات آلوده، سپاه را به چیزهایی متهم می‌کنند که مصونیت سپاه از آنها مهمترین دلیل اعتماد مردم به این نهاد برساخته انقلاب اسلامی است.

اما متهم کردن ســـپاه یک وجه مهم دیگر هم دارد. سپاه پاسداران مهمترین چشـــم ناظر و نافذ نظام جمهوری اسلامی است و بازماندن این چشـــم برای دزدان و کلاه‌گذاران خطر دارد. در ماجرای اخیر همه‌چیز در خارج و داخل هماهنگ شـــده بود تا با پوشش محیط‌زیست و حفاظت از گونه‌های در حال انقراض حیات وحش ایران به سیســـتم پدافند موشکی کشور و قدرت دفاعی ایران اشراف پیدا کنند و متاسفانه در این میان موفق شده بودند بخش‌های مختلف نظام حتی بعضی بخش‌های امنیتی را با خود همراه کنند و اگر چشم‌های سپاه نبود این توطئه لطمه بزرگی به کشور وارد می‌کرد و در واقع امنیت و تمامیت ارضی ما در معرض آســـیب جدی قرار می‌گرفت. خب این چشم باید کور شود! اما چون نمی‌توانند سعی می‌کنند با انجام بازی‌های کودکانه از تمرکز آن بکاهند به‌گونه‌ای که در این وانفسا بتوان چیزی را عبور داد و به مقصدی رسانید.

تفاوتی نمی‌کند که حمله به سپاه پاسداران با گرای یک جاسوس در پادگان تی‌فور و توسط جنگنده‌های رژیم صهیونیستی صورت گیرد و یا با تنظیم ترتیبات توسط عوامل نفوذی در یک مراسم نظامی و توسط یک مقام مسئول ایرانی صورت گیرد. هر دو در جهت تضعیف یک موضوع انجام می‌شود آن جاسوس و این نفوذی هر دو اسبابی را به حرکت درمی‌آورند تا نفوذ سپاه در محیط منطقه‌ای قیچی و خواب آمریکا و رژیم صهیونیستی تعبیر گردد.

منتهی آنکه در داخل عمل می‌کند، اگرچه در جلسات خصوصی با انکار واقعیات، دستاورد نظام در محیط منطقه‌ای را «زمین سوخته» می‌خواند اما در پشت تریبون به جای بحث از کاستن از «قدرت منطقه‌ای ایران که واکنش ملی را برمی‌انگیزد، آدرس جعلی داخل داده می‌شود و سپاه به اموری نظیر مداخله در منطقه ممنوعه سیاســـی و یا آلوده شدن به اختلاس و... متهم می‌گردد برای آنکه محیط منطقه‌ای را رها کند و به داخل بازگردد. اما این اتفاق هم نمی‌افتد. سپاه می‌داند که اگر در محیط منطقه‌ای برخلاف «خط تسلیم» عمل نمی‌کرد، در داخل به چیزی متهم نمی‌شد و نیز می‌داند که اگر در داخل برای اقدامات و اتهامات معاندین و عناصر مشکوک داخلی اهمیت خاصی قایل شـــود، در این میدان هزینه می‌دهد بدون آنکه ملت از آن فایده‌ای ببرد.

وقتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۹۶، منافقین یک ویدئوی مخدوش از آقای منتظری در دفاع از منافقین معدوم - جریان پس از همه منافقین به کشور در تیرماه ۶۷- پخش کردند و یکی از فرزندان منتظری با منافقین همراه شد، گمان این بود که حد ماجرا همین است، منافقی در خارج و منافقی در داخل. اما با ناباوری شـــاهد بودیم که یک فرد که قرار بود رئیس‌جمهوری شود که مملکت او خود را در معرض تهاجمات مشابهی در آینده می‌بیند، صف خودی را کنار زد و در کنار همان منافقین خارجی و داخلی ایستاد پس واضح است که بحث رابطه منافقی در آن سوی مرز با منافقی در این سوی مرز نیست صحبت سرتصاحب سنگرهای کلیدی نظام توسط منافقین است اما این لقمه‌ای نیست که هاضمه ضعیف منافقین قابلیت فرو بردن آن را داشته باشد. از این رو آنان از طریق بعضی از جریانات سیاسی درصدد شکستن این لقمه گلوگیر و هضم جزء جزء آن هستند. خب در این میان «ســـپاه پاسداران» یک مانع سخت است و نمی‌توان با وجود بزرگ و ســـخت بودن از آن عبور کرد باید آن را شکست و به قطعه‌هایی قابل عبور تبدیل کرد اما البته هیهات.

سعدالله زارعی

اعتراف دیرهنگام

روحانی: ۴ سال است با گونی دلار می‌آوریم سر برجام سلامت!

سرویس سیاسی-

حجت‌الاســـلام روحانـــی رئیس‌جمهور، صبح دیروز (شنبه) در نشســـت هم‌اندیشی مدیران ارشـــد دولت که در سالن اجلاس سران برگزار شد، گفت: باید باورمان شود که کشور، اداره‌اش و مدیریتش بر عهده و از آن ملت است و ما باید باورمان شـــود که چیزی بالاتر از نوکری ملت نداریم. ما بالاتر از این نیست که خادمی برای مردم باشیم و اگر کسی خودش را بالاتر از خادمی می‌داند، پس معنای حکومت اسلامی و حتی مفهوم مردم‌سالاری دینی را لمس و حس نکرده است.

روحانـــی که خـــود و برخی وزرای کابینه‌اش رکوردار توهین‌ها و استفاده از الفاظ ناشایستی علیه منتقدان هستند در ادامه ، مدیر توهین‌کننده به مردم را «غاصب» میز و صندلی مدیریت عنوان کرد و گفت : اساس دولت همین است و سخن من همین یک کلمه است، به فکر مردم باشیم و برای خدمت به مردم تلاش کنیم و به مردم احترام کنیم. اگر کارمند زیردست شـــما، مدیر زیردست شما به مردم، به آن پیرمرد، به آن پیرزن، به آن جوان و به آن روستایی احترام کافی نکرد و ادب لازم را به خرج نداد، او نمی‌تواند به عنوان صاحب آن صندلی و میز باشد. او غاصب است.

این در حالی است که رئیس‌جمهور محتـــرم در جریان انتخابات ریاســـت جمهوری افـــرادی را که بـــه وی رای نداده‌اند یعنی بیـــش از نیمی از مردم کشور را حامی افراط، تفریط، خشونت، خودرأیی، تک رأیی، عدم مشـــورت و عدم تدبیر معرفی کرده بود ، علاوه‌بر این رفتار توهین آمیز برخی وزرا و مشاوران رئیس‌جمهـــوری به حدی زیاد بوده که مردم علاوه‌بر وعده‌هایی که رئیس‌جمهور در ایـــام انتخابـــات داده، کابینـــه‌ای اخلاق‌مدار از او مطالبـــه می‌کردند. از رفتارهای توهین آمیز و ناشایست وزرای بهداشت و راه و شهرسازی با خبرنگاران گرفته تا واکنش زشت و سخیف عباس آخوندی به پرسش یکی از مسافران در فرودگاه مهرآباد که خبرساز شده بود ، به خوبی نشان می‌دهد که دولت تا چه میزان به اخلاق مداری و احترام به مردم پایبند است.

روحانـــی در ادامه گفـــت : اگر در نظرسنجی‌ها فهمیدیم که مردم امسال نسبت به پارســـال از حکومت، دولت و مسئولان به خاطر اخلاق و رفتارشان، راضی‌تر شده‌اند، موفق بوده‌ایم. هر چند که در منطقه دشمن و بدخواه داریم و باید به فکر آن باشـــیم، اما باید اینها را کنار بگذاریم و خودمان را اصلاح کنیم.

چرا مدیران دولتی روزه سکوت گرفته‌اند؟

رئیس‌جمهور در ادامه با طرح این پرســـش که چرا مدیـــران دولتی روزه ســـکوت گرفته‌اند ؟ افزود :« ما خیلی با مردم کم صحبت می‌کنیم و مدیران دولتی روزه سکوت گرفته‌اند. نمی‌دانم چه کسی گفته و آنها از چه می‌ترسند، اما هر کس در پست دولتی و در هر رده مدیریتی که قرار دارد، باید بداند طبق قانون و وظیفه شرعی، دارای توانمندی و قدرت بالاست و باید به وظیفه خود عمل کنـــد و اگر نمی‌تواند و از اخم این و آن می‌ترسد و هراس دارد، باید کنار برود، چرا که واجب نیست، صندلی که اشغال کرده تا پایان ۴ سال به آن بچسبد.»

رئیس‌جمهور در حالی با فرافکنی تلاش می‌کند ســـکوت معنادار مدیران دولتی را به مسائلی مبهم و خیالی ارتباط دهد که کارنامه خالی از عملکرد و عدم تحقق شعارها و وعده‌های دولت در حوزه مختلف بویژه وعده‌های برجامی ، پشت پرده ســـکوت امروز مسئولان دولت در برابر مردم را به خوبی عیان کرده است.

دولتی که تا قبـــل از توافق برجام شاه کلید تمام مشکلات کشور را برجام می‌دانستند ولی امروز بعد از آن توافق کذایی از هیچ کدام مســـئولان دولتی خبری نیســـت تا پاســـخ مردم در این زمینه را بدهند.

دولتی که تا قبل از برجام حتی آب خوردن مردم را به برجام مربوط می‌کرد ، مسائل محیط زیست را به برجام ربط می‌دادند اما امـــروز هزاران کلیدی که آقای روحانی برای اقتصاد کشور ساخته بود هیچ کدام به کار نیامد و اوضاع مردم حتی بدتر از دوران پیش از برجام شده است و یکی از انتقادهای عمومی مردم چرایی ســـکوت امروز مسئولان دولت در قبال وعده‌های برجامی و همچنین انتخاباتی است.

از توصیه به اخلاق تا توهین به دستگاههای نظارتی

روحانی که در ابتدای سخنرانی خود مدیران دولتی را به رعایت ادب و اخلاق توصیه می‌کرد در ادامـــه در اظهاراتی توهین آمیز : دســـتگاههای نظارتی را ناقص العقل خوانـــد وگفت : «با تأکید بر اینکه هیچ دستگاه نظارتی حق ندارد در مدیریت دخالت کند، گفت: دستگاه نظارتی حق ورود به کار اجرایی را ندارد، البته اگـــر نظـــری دارد می‌تواند اعلام کند، اما مدیـــر اجرایی باید کار خود را انجام دهد.»

رئیس‌جمهـــور افـــزود: زمانی یک دســـتگاه نظارتی برای یـــک وزارتخانه دولت نوشـــته بود که در خرید هواپیما چه نوع هواپیمایی را باید خریداری کند و بنده برای آن دســـتگاه نوشتم که به تو چه ربطـــی دارد و تو چه کاره‌ای که دخالت می‌کنی. تصور کرده‌اند که چون دستگاه نظارتی هستند، باید نوع هواپیما، خـــودرو و دارویی را هم که می‌خواهیم خریداری کنیم آنها مشخص کنند. در صورتی که آنها اگـــر تخلفی بر مبنای قانون دیدند، باید اعلام کنند. البته اگر بر مبنای قانون باشد، نه بر مبنای عقل ناقص خود؛ عقل ناقص تو که مبنا نیست، آقای دستگاه نظارتی!

بقیه در صفحه ۱۰

سید حسن نصرالله: همه جای اسرائیل در تیررس موشک‌های مقاومت است

دبیـــرکل حـــزب‌الله لبنان تاکید کرد، موشک‌های مقاومت لبنان قادرند هر نقطه ای را در فلسطین‌اشغالی هدف قرار دهند.

بـــه گـــزارش خبرگـــزاری صدا و ســـیما، سید حســـن نصرالله طی ســـخنانی از طریق ویدئو کنفرانس برای شـــرکت کننـــدگان در تجمع انتخاباتـــی جنوب بیـــروت ، تاکید کرد که موشک های مقاومت لبنان قـــادر خواهند بود هر نقطه ای را در فلسطین‌اشغالی هدف قرار دهند. ما هیچ وقـــت مقاومت را رها نخواهیم کرد. مقاومـــت ما هرگز قابل مبادله نیســـت و به معنای بقـــا و وجود و کرامت ما است.

نصـــرالله اظهار داشـــت: گزینه مقاومت در لبنان معادله بازدارندگی در برابـــر دشـــمن اســـرائیلی را به اثبات رســـاند. وی شهر صور را شهر همزیستی مسالمت آمیز و مقاومت در برابراشـــغالگری دانست و گفت دشمن اســـرائیلی در آغاز تجاوز به لبنان ، قصد داشـــت فرمانده نظامی حزب‌الله را با بمباران مقر فرماندهی او در شـــهر صور تـــرور کند ، اما به خاطر پایداری مقاومت (در دو بخش) نظامی و سیاسی ، اسرائیل مجبور شد با توسل به مجامع بین المللی، جنگ را به پایان برساند.

وی درخصوص مخالفان داخلی مقاومـــت نیـــز گفت: جـــرم ما این است که ســـلاح بر دوش گرفته‌ایم تـــا از حاکمیـــت و تمامیت ارضی کشورمان دفاع کنیم. تنها جایگزین مقاومـــت؛ مرگ و تســـلیم در برابر صهیونیســـت‌ها خواهد بود و این به معنای تداوم‌اشغالگری است.

دبیرکل حـــزب‌الله لبنان گفت :امام موســـی صدر در طول ۱۵ سال همواره از حکومت لبنان می‌خواست برای رویارویی با تجاوزات اسرائیل به لبنان، مداخله کند و در نتیجه مجبور به تاسیس گروه های مقاومت شد.

وی گفت : انتخابات پارلمانی در ششم ماه مه (شانزدهم اردیبهشت) به مثابه پیامی برای پایبندی به مقاومت و دست برنداشتن از آن است.

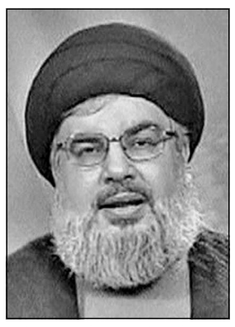

خبر ویژه

هرزگی‌های کاوه مدنی به کنار! جرم اصلی او جاسوسی است

روزنامه اطلاعات در اقدامی ســـؤال‌برانگیز و مشکوک، به دفاع از جاسوس فراری پرداخت که در پوشش معاون سازمان محیط زیست به برخی مراکز اداری مهم نفوذ کرده بود.

این روزنامه در یادداشـــتی با عنوان «تجسس» نوشت: «یکی از این مسائل و از مهم‌ترین آنها، حریم خصوصی و حرمت آبرو و حیثیت شـــخصی شـــهروندان است. باید همه مردم مراقبت کنند و بر این خصیصه اصرار داشـــته باشند که حیثیت یک هموطن و شـــهروند و بلکه یک انســـان، و راز و حریم شخصی وی، به مثابه ناموس و آبروی کل جامعه اســـت؛ همچنان که ریختن خون یک انســـان با کشتن تمام مردم برابر دانسته شده است.

به اشـــتراک نهادن تصاویر و نامه‌ها و مســـائل شـــخصی مردم، امری زشت و قبیح است.

... این مقدمات از آن رو نوشته شد تا شکایت و نقدی مطرح شود از کسانی که بدون درنگ و تامل، و با استفاده از مقام و قدرتی که مردم به ودیعت در اختیارشان نهاده‌انـــد، پرده‌هـــای حریم خصوصی افراد را دریده و مقام و حیثیت شـــخصی را بی‌اعتبار کرده‌اند. زمانی مرحوم امام خمینی(ره) به برخی اعضای کمیته‌ها خطاب کـــرده بودند (قریب به این مضمون) که اگر برای تعقیب ضدانقلاب و منافقین، به ناچار وارد منزلی شـــدند و در آنجا مشاهده کردند که در محیط خصوصی مشغول لهب و لعب و اســـتعمال و شرب حرام هســـتند، نباید پیگیری و افشا کنند و حق تعقیب ندارند. زیرا حریم خصوصی باید از هر نظر امنیت داشته باشد و بالاترین سطح امنیت اجتماعی برای ایجاد همین احســـاس امنیت درنظر گرفته می‌شود. روایات و اقوال از گفتار و سیره ائمه اطهار(س) نیز بر همین امر گواهی می‌کند. به همین دلیل آزادی و امنیت افراد در حریم خصوصی بسیار مورد تاکید در شرع و عرف و قوانین موضوعه بوده و هست.

با این اوصاف چگونه کســـانی به خود اجازه می‌دهند اسباب و تصاویر و اسرار زندگی مردم را به اسم امنیت و مسئولیت در این حیطه بکاوند و سپس گزیده‌ای از این اســـناد و برخی از این اســـرار یا تصاویر شخصی را در شبکه‌های عمومی در معرض عموم و مرآی همگان قرار دهند؟ دستگاه‌هایی که اجازه و امکان و مهم‌تر از همه مجوزهای قانونی و مشـــخص برای تجســـس دارند باید کارآزموده‌ترین و وثیق‌تریـــن و بهترین کادرها را بـــرای این امر درنظر گیرند و همان‌ها را نیز تحت نظارتی سخت‌گیرانه و پاسخگو قرار دهند. نمی‌توان به کسی قدرتی فوق‌العاده در این عرصه داد که فاقد باور و شرایط و تعهدات سنگین باشد. این امر نیازمند فرهنگ و ظرفیت اخلاقی و آموزش ویژه است.

صریح و واضح بر اساس یک مصداق مشخص سخن می‌گویم. تصویرهای خصوصی از معاون سازمان محیط زیست کشور چه دلالتی دارد جز انحطاط و سقوط اخلاقی در برخی از حساس‌ترین مدارج و دستگاه‌هایی که باید حرمت نگه‌دار و پاسدار حیثیت و حریم و آبروی تک‌تک مردمان این وطن باشـــد؟! وقتی اخبار کوچ و هجرت برخی از جوانان بااستعداد، نخبگان، متخصصان و سرمایه‌داران و کارآفرینان‌مان را می‌شنوم و می‌خوانم بی‌اختیار این بیت خواجه به خاطر حزین خطور می‌کند، که ای کاش به ذهن مدیران جامعه نیز خطور می‌کرد:

«چو پرده دار به شمشیر می‌زند همه را
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند»

این نوشته مغالطه‌آمیز درحالی است که اولا تصاویر مربوط به عیاشی و هرزگی و رقص کاوه مدنی معاون متواری سازمان محیط زیست، مربوط به یک برنامه عمومی در ســـفر خارجی وی به یکی از کشـــورهای شرق آسیاست و نه «تصاویر خصوصی و حریم شـــخصی»! و ثانیا با وجود اینکه ارتکاب این هرزگی از افراد عادی هم قبیح و نپذیرفتنی اســـت چه رسد به معاون معاون رئیس‌جمهور در سازمان محیط زیست، اما اتهام اصلی نامبرده، فعالیت در یک شـــبکه بزرگ جاسوســـی در پوشش محیط زیســـت اســـت بلکه به بیان دقیق‌تر، کاوه مدنی با سوءاستفاده از موقعیت، راه نفوذ شبکه دشمن به مراکز مهم برای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات و همچنین انهدام مناطق روســـتایی و دادن آدرس‌های غلط در زمینه مصرف آب در کشـــور را گشوده است. این مهره دوتابعیتی که از انگلیس به ایران آمد و برساخته انگلیسی‌ها بود، عضو ارشد همان شبکه‌ای است که کاووس سیدامامی، مهره کوچک آن محسوب می‌شد. بنابراین جای سؤال است که آیا نویسنده مطلب مغالطه‌آمیز روزنامه اطلاعات، سر و سری با شبکه جاسوسی مذکور دارد؟!

شگرد همیشگی نفوذی‌ها صحنه‌سازی درگیری و مظلوم‌نمایی

مرور شـــگردهای عناصر نفوذی ضدانقلاب و افراطیـــون مدعی اصلاحات برای صحنه‌ســـازی مظلومیت و ایجاد تشنج و بهره‌برداری تبلیغاتی از آن، این احتمال را تقویت می‌کند که ماجرای درگیری اخیر چند زن بدحجاب با مأمور پلیس گشـــت ارشـــاد صحنه‌سازی و اقدامی از پیش طراحی شده بوده است. تیم همراه آن توهین کننده به مأمور پلیس به نحوی صحنه را فیلمبرداری کرده‌اند که گویا از قبل منتظر همین درگیری بوده‌اند.

پیش از این امیرفرشـــاد ابراهیمی از عناصر نفوذی که از کشور گریخت، ضمن مصاحبه‌ای فاش کرد: «ما از کارگزاران (ســـازندگی) پول می‌گرفتیم و به آنها فحش می‌دادیم. یعنی به ما می‌دادند تا علیه‌شـــان تبلیغ کنیم. بحث حرکت زنان و دوچرخه‌ســـواری آنها که آن زمان توسط فائزه هاشمی مطرح شده بود به خاطر دارم که ما از خود خانم حبیبی و خانم (فائزه) هاشمی پول می‌گرفتیم و عکس‌هایی که آنها در چیتگر و اســـتادیوم‌های ورزشی داشتند، عکس‌ها خود خانم فائزه هاشـــمی که با آقایی به نام مسعود قندی هماهنگ کرد، رفت کیش گفته بود من می‌روم کیش پاتیناژ بازی می‌کنم، سوار قایق می‌شـــوم، شما بیایید مثلا از من مخفیانه فیلمبرداری کنید. بعدا فیلمش را همه جا پخش کنید. خانم هاشـــمی به ما پول می‌دادند تا بر علیه‌اش تبلیغ کنیم. یک فقره‌اش را به خاطر دارم که من و آقای مصطفوی و مسعود قندی به دفتر ایشان رفتیم. چیزی حول و حوش ۴-۳ تومن به ما پول داد که آن عکس‌هایـــی که ما از توی کیش و مجموعه چیتگر از ایشـــان گرفتیم بزرگ کنیم و با عنوان (کل یوم عاشورا) مطرح کنیم. بعدا فهمیدیم که ایشان معتقد بوده‌انـــد که چون گروه [...] در جامعه به عنوان یک گروه افراطی شـــناخته شده هستند، به هر کس که فحش بدهد آن فرد در جامعه محبوب می‌شود. درســـت در همان زمان بود که ما از کارگزاران (سازندگی) پول می‌گرفتیم تا بـــه آنها فحش بدهیـــم. می‌گفتند به ما فحش بدهید تا ما بتوانیم در مجلس پنجم نماینده بفرســـتیم مجلس، آن موقع ما از شما حمایت می‌کنیم. مثلا آقای کرباسچی و خانم هاشمی با ما هماهنگی کردند که ما می‌رویم در مسجد نازی‌آباد سخنرانی می‌کنیم شما بیایید آنجا ما را بزنید»!!

احکام غسل و نماز پیشکش! لااقل از وطن‌نفوذی‌ها می‌پرسیدید

رئیس‌جمهور در حالی ادعا می‌کند در گزینش‌ها ســـخت‌گیری می‌شود که اگر حداقل اصول گزینش مراعات می‌شـــد، عناصر نفوذی به جای جستن رخنه و منفذ، شاهراه نفوذ نمی‌زدند!

آقای روحانی دیروز در جمع مدیران دستگاه‌های اجرایی گفت: چقدر در گزینش‌ها سوال و جواب‌هایی داریم که هیچ ربطی به گزینش نداشته و از آباء و اجداد و نحوه غسل و محل کار می‌پرسیم، اما نمی‌پرسیم که آیا متعهد هستیم که به مردم خدمت کنیم و این را وظیفه خود می‌دانیم یا خیر؟ اگر در سوال‌های گزینش، چنین نکته‌ای بود، من همه حرف خود را پس خواهم گرفت اما در گزینش، تنها سراغ اجداد، قبیله و حزب می‌رویم.

ایـــن ادعا در حالی اســـت که در برخی عزل و نصب‌هـــای مهم دولتی، کمترین ملاک‌های گزینش رعایت نشده است، چه رسد به سوال از غسل و نماز و آباء و اجداد فرد. چراکه اگر حداقل ملاک‌ها رعایت می‌شـــد، نباید افـــراد دوتابعیتی مانند دری اصفهانی، کاوه مدنی، فلان مدیر غارتگر و فراری وزارت نفت و ... به سمت‌های بالایی نظیر عضویت در تیم مذاکره‌کننده، معاونت ســـازمان محیط زیست و برخی مناصب مهم بانکی و نفتی می‌رسیدند.

در حقیقت حتی از وطن و تابعیت این افراد ســـوال نشـــده که مثلا در مذاکرات مهم و خطیر هســـته‌ای، فلان مشـــاور بانکی و مالی عضو تیم، قرار است طرف ایران را بگیرد یا طرف آمریکایی را که تابعیتش را گرفته و برای خدمات در زیر پرچمش سوگند یاد کرده است؟! دقیقا به همین دلیل کاوه مدنی را از انگلستان و از وسط اجرای شوهای شبکه دولتی انگلیس می‌آورند و در معاونت معاونت رئیس‌جمهور گماشـــتند و او سرپل نفوذ شبکه بزرگ جاسوسی در پوشش محیط زیست شد، الحاق به توافق آب و هوایی پاریس را توجیه کرد، آدرس‌های غلط درباره برنامه‌ریزی محیط زیســـت داد که به نابودی روستاها و برخی منابع آبی منجر شد و زمینه جاسوسی علیه برنامه نظامی و موشکی را فراهم کرد.

یادآور می‌شود سایت شبکه دولتی بی‌بی‌سی، دیروز این تیتر قابل تامل را برای سخنان روحانی انتخاب کرد و در تیتر اول خود قرار داد؛ «روحانی: نباید خیلی فکرمان را مشغول دشمنان کنیم!»

گروکشی اصلاح‌طلبان شدت گرفت مخالفت با شهردار شدن محسن هاشمی

یک ســـایت حامی دولت می‌گوید خاتمی و طیفی از اصلاح‌طلبان با شـــهرداری محسن هاشمی مخالف هستند.

نامه‌نیوز نوشت: بعد از برگزاری جلسات متعدد و رایزنی‌های سنگین میان چهره‌های اصلاح‌طلب و نیز طیف‌های مختلف این جناح، فهرست گزینه‌ها محدودتر شده و گویا اکنون رقابت اصلی میان حناچی و محسن هاشمی است.

خبرنگار نامه‌نیوز مطلع شـــده که محمد خاتمی با شـــهرداری محسن هاشمی مخالفت کرده اســـت. براســـاس این گزارش نظر برخی اصلاح‌طلبان و خاتمی روی شهردار شدن حناچی است.

پیروز حناچی در دولت اصلاحات، معاون نظام مهندسی وزیر مسکن و شهرسازی بوده است.

گفت شنود

غسل!

گفت: آقای رئیس‌جمهـــور اعتراض کرده که چرا در گزینش‌ها از داوطلبان استخدام درباره نحوه غسل سؤال می‌کنند؟!

گفتم: خب حق با ایشان اســـت! باید از هویت داوطلبان استخدام سؤال کنند تا فلان جاسوس به عنوان مشاور بانکی وارد تیم هسته‌ای نشود! آن جاسوس دیگر را از انگلیس نیاورند و معـــاون معاونت رئیس‌جمهور کنند! آن دیگری به بهانه‌های محیط زیستی اطلاعات موشکی کشور را به رژیم صهیونیستی ندهد! فلان مدیر وزارت نفت بیت‌المال را هپل هپو نکند و فرار کند!! و...

گفت: این جاسوســـان حرفه‌ای و غارتگـــران بیت‌المال را که خود دولت محترم استخدام کرده بود! از آنها که دیگر احکام غسل و وضو را نپرسیده‌اند! یعنی برخی از اطرافیان رئیس‌جمهور محترم این کارهای خود را فراموش کرده‌اند که به ایشان مشاوره غلط می‌دهند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟ طرف به دکتر مراجعه کرد و گفت؛ آقای دکتر چند وقته که دچار فراموشی شده‌ام. دکتر پرسید؛ از کی به این بیماری مبتلا شده‌ای؟ و طرف پرسید؛ کدام بیماری؟!

نکته

دزد شریف!

در حکایات قدیمی آمده است، شخصی برای خرید به بازار رفته و هنگام ورود به حجره یکی از تجار، افســـار الاغ خود را به درختی بســـته بود. هنگام بازگشت متوجه شد که الاغش را دزدیده‌اند، صدا به اعتراض برداشـــت و از این و آن سراغ حیوان زبان‌بسته را می‌گرفت. جماعت که داستان را شنیدند، انگشت حیرت به دندان گزیدند و زبان به ملامت گشودند که مرد حسابی! چرا مراقب نبودی؟ آن دیگری سرزنش کرد که در این شلوغی بازار باید احتمال می‌دادی که حیوان را بدزدند، دیگری گفت، باید هر از چندگاه از درون حجره به بیرون سرک می‌کشیدی و... شخصی که الاغش را دزدیده بودند، گفت؛ با این حساب همه تقصیرها بر گردن من بوده است! و جناب مستطاب دزد هیچ گناهی نداشته است که اگر گناهی مرتکب شده بود، کلامی هم در ملامـــت او بر زبان می‌آوردید! مرا عفو کنید که نمی‌دانســـتم حیوان زبان‌بستهِ مرا، دزد شریف و بزرگواری به سرقت برده است!

کشـــف حجاب یک زن در یک پـــارک و در انظار عمومی که از مصادیق عمل مجرمانه اســـت بـــا تذکر یک پلیس زن وظیفه‌شناس روبرو می‌شود و زن کشف حجاب کرده به جای پوزش و تن دادن به قانون، زبان به فحاشی می‌گشاید و با مامور وظیفه‌شناس پلیس درگیر می‌شود. از این درگیری با دوربین یک تلفن همراه که شواهد نشان می‌دهد از قبل طراحی شده بود، فیلم کوتاهی تهیه می‌شود و در فضای مجازی به نمایش در می‌آید. فیلم به وضوح نشان می‌دهد که اقدام پلیس زن در حد یک تذکر قانونی و خیرخواهانه و حرکت زن کشف حجاب کرده، فریاد و فحاشی بوده است.

در پی انتشار فیلم این رخداد، رسانه‌های بیگانه چند بخش خبری خود را به این ماجرا اختصاص دادند که بیایید و ببینید در ایران اجازه کشف حجاب نمی‌دهند! که البته طبیعی بود و از آنها انتظاری غیر از این نمی‌رفت و نمی‌رود ولی در داخل کشور، روزنامه‌های زنجیره‌ای و شماری از مدعیان اصلاحات و مسئولان دولتی صفحه سیاه کردند، حنجره پاره کردند و قشقرق به راه انداختند که چه نشسته‌اید! به یک زن کشف حجاب کرده اهانت شده است! چرا؟ چون به او تذکر قانونی داده‌اند و در مقابل از او فحش و ناسزا شنیده‌اند!

**سؤال این است که مگر کشـــف حجاب جرم نیست؟ اگر هست- که هســـت- معرکه‌گیری شما برای چیست؟! و چرا کمترین اشـــاره‌ای نمی‌کنید که آن زن کشف حجاب کرده در مقابل تذکر محترمانه پلی